

لحظه‌های مجروح

فدریکو گارسیا لورکا

ترجمه: سیما مشهوری

- ۱. آتش‌پایه‌ها و آتش‌پایه‌ها
- ۲. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۳. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۴. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۵. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۶. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۷. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۸. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۹. درون‌ها و بیرون‌ها
- ۱۰. درون‌ها و بیرون‌ها

۷۷۵/۱۷۹۹ ر.ت. ۷

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

۱۰۰۰ نسخه

۳

فلسرشناسه: گارسيا لورکا، فدریکو ۱۸۹۸-۱۹۳۶ م.
Garcia Lorca, Federico
عنوان و پدیدآور: لحظه های مجروح / فدریکو گارسيا لورکا
ترجمه سیما مشهوری.

مشخصات نشر: تهران: سبزخط، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: ISBN: 964-95303-1-2

یادداشت: فیبا.

یادداشت: این کتاب ترجمه بخشی از کتاب:

De poema del cante jondo suites canciones poesia, 1 Libro

موضوع: شعر اسپانیایی - قرن ۲۰ م. ترجمه شده به فارسی.

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ م. ترجمه شده از اسپانیایی.

شناسه افزوده مشهوری، سیما، ۱۳۴۲ - مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۳۳ الف ۳۷ / PQ/A1۸۰/۲۸

رده بندی دیویی: ۸۶۱/۶۲

شماره کتابخانه ملی: ۲۴۲۱۵-۸۵.

آشنائات مُبرهنه خط

نام کتاب: لحظه های مجروح

شاعر: فدریکو گارسيا لورکا

مترجم: سیما مشهوری

طراح جلد: مجید ناصری

چاپ اول: زمستان ۸۵

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: یاران

چاپ: احمدی

شابک: ۹۶۴-۹۵۳۰۳-۱-۲

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

مرکز پخش: ۶۶۴۳۹۹۲۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۹	اشاره
۱۱	مقدمه
۲۳	لورکا از نگاه لورکا
۲۵	شعر از نگاه لورکا
۲۷	ضرباهنگ پاییز
۳۵	قصیده یک روز جولای
۴۱	جیرجیرک
۴۶	ترانه پاییزی
۵۰	درخت بلوط
۵۳	درختان نقره‌ای
۵۶	والس شاخه‌ها
۵۹	هوای شبانه
۶۲	ترانه کوتاه
۶۵	الماس
۶۷	شب
۶۹	تصنیف عاشقانه
۷۱	مرثیه مرگ
۷۳	سپیده

صفحه	عنوان	شماره
۷۵	ترانه‌های دیگر	۷۰۶
۷۷	نغمه بهاری	۸۰۱
۷۹	نرگس	۹۰۲
۸۱	ترانه نو	۱۰۱
۸۳	اگر دست‌هایم می‌توانستند پُرپر کنند	۱۱۱
۸۵	آواز نخستین آرزو	
۸۷	عشق روستایی	
۸۹	ورلن	
۹۱	پایکوبی	
۹۳	جاده	
۹۵	بازگشت	
۹۷	غزل گلایه‌ای شیرین	
۹۸	سوی ...	
۹۹	کافه آوازه‌خوان	
۱۰۰	زمین	
۱۰۱	شگفتی	
۱۰۲	ترانه کودکی که زاده نشد	
۱۰۳	غزل دستی ناممکن	
۱۰۴	عاشق	
۱۰۵	آدلینا در گذر	
۱۰۶	دیدار	

صفحه	عنوان	شماره
۱۰۷	هاله های ماه	۶۱
۱۰۸	رواق	۷
۱۰۹	شبانه های پنجره	۶۲
۱۱۰	جاری آرام	۶۸
۱۱۱	خدانگهداز	۶۹
	سایه های پنهان	۷۰
	سایه های پنهان	۷۱
	سایه های پنهان	۷۲
	سایه های پنهان	۷۳
	سایه های پنهان	۷۴
	سایه های پنهان	۷۵
	سایه های پنهان	۷۶
	سایه های پنهان	۷۷
	سایه های پنهان	۷۸
	سایه های پنهان	۷۹
	سایه های پنهان	۸۰
	سایه های پنهان	۸۱
	سایه های پنهان	۸۲
	سایه های پنهان	۸۳
	سایه های پنهان	۸۴
	سایه های پنهان	۸۵
	سایه های پنهان	۸۶
	سایه های پنهان	۸۷
	سایه های پنهان	۸۸
	سایه های پنهان	۸۹
	سایه های پنهان	۹۰
	سایه های پنهان	۹۱
	سایه های پنهان	۹۲
	سایه های پنهان	۹۳
	سایه های پنهان	۹۴
	سایه های پنهان	۹۵
	سایه های پنهان	۹۶
	سایه های پنهان	۹۷
	سایه های پنهان	۹۸
	سایه های پنهان	۹۹
	سایه های پنهان	۱۰۰

«لحظه‌های مجروح»، حاصل این آشنایی و تأثیر بیان

پر درد هنرمندی است که در بُعد زمان گرفتار نمی‌آید و

در فراسوی زادگاه خود تعهدی نو بر دوش خواننده و

شنونده باقی می‌گذارد.

سینما مشهوری

۷۲۲

در این کتاب، که در این سال در ایران منتشر شد،

روایتی از زندگی و آثار فدریکو گارسیا لورکا را می‌توان دید.

مقدمه

این کتاب، که در این سال در ایران منتشر شد،

این طور به نظر می‌رسد که هر گاه در صدد ترسیم خط

اساسی شخصیت انسانی فدریکو گارسیا لورکا^۱ برآیم

ما می‌گیریم. شاید تنها راه شناخت لورکا توجه

جمله‌ای از خود اوست که در ۱۹۲۶ به خورخه گئی

نوشت: «نمی‌خورم، نمی‌نوشم، نمی‌اندیشم

مگر در شعر»

بله، باید از این نقطه آغاز کرد: شعر، نه برج و بارو

از عاج و نه گریزگاهی دلبیز، بلکه وفاداری به زمین

رسوخ در مسائل بزرگ زندگی است؛ نشانه‌ای است

هستی لورکا، عمیق روح و ریشه حیاتش را به

می‌شناساند. در واقع شرح زندگی لورکا — در معنای

صحیح — در نقد آثار و توانایی آفرینش نوگرایانه

همیشگی وی نهفته است.

زندگی لورکا تمرین بی وقفه آفرینش و نمایشی از
تعالی خواهی و مطلوب گرایی است. پابلو نرودا^۱ چنین
به ویژگی منحصر به فرد لورکا اشاره می کند: «در تئاتر و
در سکوت، در کثرت و آداب، تعالی بخش زیبایی بود.
هرگز کسی را مانند او با آن همه جادو در دستانش
ندیده‌ام؛ هرگز برادری آنچنان شاد نداشته‌ام؛ می خندید،
می خواند، می نواخت، می جهید، می آفرید و
نورافشان بود.»

لورکا با چنین روحیه‌ای «کتاب اشعار» را به نگارش
درمی آورد. او در زمان گردآوری این مجموعه، بسیاری از
نوشته‌های آن زمان را به دور می ریزد و تصنیف‌های
نوشته شده از ۱۹۱۸ تا پایان ۱۹۲۰ را جمع آوری می کند.
شاعر، خود «کتاب اشعار» را «سراسر شوق جوانی،
بی قراری و بلندپروازی» می خواند.

این کتاب نمونه‌ای از ذهنی توانا و نمایشگر
پویایی نهفته در جوانی است. در «کتاب اشعار»،
دوران کودکی به دفعات به مدد فولکلوری که شاعر در

1. Pablo Neruda.

سرزمین خود گرانادا شنیده و دیده است به زیبایی
به تصویر کشیده می شود.

درواقع، برقراری ارتباط تنگاتنگ با دوران کودکی
از ویژگی های بسترز لورکا است. او در ۱۹۳۴
به روزنامه نگاری در بوئنوس آیرس می گوید: «زندگی
من؟ آیا من زندگی دارم؟ به نظرم هنوز هم سال های
عمرم به دوران کودکی می رسند. هیجانات کودکی در من
باقی مانده اند؛ من از آنها دور نشده ام.»

البته این کلمات به آن معنا نیست، درواقع، معنایی از
کودکی است که در انسان می ماند و به زندگی
ادامه می دهد. اگرچه در شادی حاکی از مهر لورکا کودکی
موج می زند و قوه خیال افسانه ای وی به وضوح، ریشه ای
کودکانه دارد.

«کتاب اشعار» اثری آکنده از فکر، با اشعاری گاه
بلند، احساسی و متأثر از مدرنیسم است. این تأثیر در
پاره ای از شعرها به شکل دغدغه های جدی مذهبی
اشکار می شود.

در دومین قطعه از همین کتاب می خوانیم:

حلزون می پرسد:

— هرگز آواز نمی خوانی؟

— نمی خوانم.

— حتی دعا هم نمی کنی؟

— هرگز هیچ گاه نیاموختم.

— به زندگی ابدی هم باور نداری؟

— چه هست؟

— مدام زندگی کردن

در آبی بسیار زلال

در کنار زمین پرگل

با غذایی همواره لذیذ.

در «کتاب اشعار»، فدریکو — بی نامطمئن دیده می شود

که در تلاش برای یافتن زبان خاص خود است.

اثر، حاوی سروده های بلندی است که برای شان

هیچ ترتیب ساده ای را نمی توان در نظر گرفت و وجود

منابع انبوه و بی واسطه فولکلوریک در آنها کاملاً روشن

است. در کتاب، الهامات برگرفته از مدرنیسم و

تعالیم روتن دازیو، آنتونیو مایجادو و

1. Ruben Dario.

2. Antonio Machado.

خوان رامون خیمنس^۱ به وضوح دیده می‌شوند، و جد
از آن، انگیزه بالای لورکا برای آفرینش بیان شخصی
جلوه‌گر است. ^۱ در این تلاش قلبی و فقه‌زایی توان در دست‌یابی لورکا
به انگیزه‌های واقعی یافت، انگیزه‌هایی مانند: سر
(درخت مرده)، ناکامی در عشق (مژگه)، نمادگرایی
(مساء و مفرگ)، سبکوت (مژگه، سبکوت)، رؤیا
(نرانه‌ای دیگر)، ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰} ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰} ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳} ^{۳۵۴} ^{۳۵۵} ^{۳۵۶} ^{۳۵۷} ^{۳۵۸} ^{۳۵۹} ^{۳۶۰} ^{۳۶۱} ^{۳۶۲} ^{۳۶۳} ^{۳۶۴} ^{۳۶۵} ^{۳۶۶} ^{۳۶۷} ^{۳۶۸} ^{۳۶۹} ^{۳۷۰} ^{۳۷۱} ^{۳۷۲} ^{۳۷۳} ^{۳۷۴} ^{۳۷۵} ^{۳۷۶} ^{۳۷۷} ^{۳۷۸} ^{۳۷۹} ^{۳۸۰} ^{۳۸۱} ^{۳۸۲} ^{۳۸۳} ^{۳۸۴} ^{۳۸۵} ^{۳۸۶} ^{۳۸۷} ^{۳۸۸} ^{۳۸۹} ^{۳۹۰} ^{۳۹۱} ^{۳۹۲} ^{۳۹۳} ^{۳۹۴} ^{۳۹۵} ^{۳۹۶} ^{۳۹۷} ^{۳۹۸} ^{۳۹۹} ^{۴۰۰} ^{۴۰۱} ^{۴۰۲} ^{۴۰۳} ^{۴۰۴} ^{۴۰۵} ^{۴۰۶} ^{۴۰۷} ^{۴۰۸} ^{۴۰۹} ^{۴۱۰} ^{۴۱۱} ^{۴۱۲} ^{۴۱۳} ^{۴۱۴} ^{۴۱۵} ^{۴۱۶} ^{۴۱۷} ^{۴۱۸} ^{۴۱۹} ^{۴۲۰} ^{۴۲۱} ^{۴۲۲} ^{۴۲۳} ^{۴۲۴} ^{۴۲۵} ^{۴۲۶} ^{۴۲۷} ^{۴۲۸} ^{۴۲۹} ^{۴۳۰} ^{۴۳۱} ^{۴۳۲} ^{۴۳۳} ^{۴۳۴} ^{۴۳۵} ^{۴۳۶} ^{۴۳۷} ^{۴۳۸} ^{۴۳۹} ^{۴۴۰} ^{۴۴۱} ^{۴۴۲} ^{۴۴۳} ^{۴۴۴} ^{۴۴۵} ^{۴۴۶} ^{۴۴۷} ^{۴۴۸} ^{۴۴۹} ^{۴۵۰} ^{۴۵۱} ^{۴۵۲} ^{۴۵۳} ^{۴۵۴} ^{۴۵۵} ^{۴۵۶} ^{۴۵۷} ^{۴۵۸} ^{۴۵۹} ^{۴۶۰} ^{۴۶۱} ^{۴۶۲} ^{۴۶۳} ^{۴۶۴} ^{۴۶۵} ^{۴۶۶} ^{۴۶۷} ^{۴۶۸} ^{۴۶۹} ^{۴۷۰} ^{۴۷۱} ^{۴۷۲} ^{۴۷۳} ^{۴۷۴} ^{۴۷۵} ^{۴۷۶} ^{۴۷۷} ^{۴۷۸} ^{۴۷۹} ^{۴۸۰} ^{۴۸۱} ^{۴۸۲} ^{۴۸۳} ^{۴۸۴} ^{۴۸۵} ^{۴۸۶} ^{۴۸۷} ^{۴۸۸} ^{۴۸۹} ^{۴۹۰} ^{۴۹۱} ^{۴۹۲} ^{۴۹۳} ^{۴۹۴} ^{۴۹۵} ^{۴۹۶} ^{۴۹۷} ^{۴۹۸} ^{۴۹۹} ^{۵۰۰} ^{۵۰۱} ^{۵۰۲} ^{۵۰۳} ^{۵۰۴} ^{۵۰۵} ^{۵۰۶} ^{۵۰۷} ^{۵۰۸} ^{۵۰۹} ^{۵۱۰} ^{۵۱۱} ^{۵۱۲} ^{۵۱۳} ^{۵۱۴} ^{۵۱۵} ^{۵۱۶} ^{۵۱۷} ^{۵۱۸} ^{۵۱۹} ^{۵۲۰} ^{۵۲۱} ^{۵۲۲} ^{۵۲۳} ^{۵۲۴} ^{۵۲۵} ^{۵۲۶} ^{۵۲۷} ^{۵۲۸} ^{۵۲۹} ^{۵۳۰} ^{۵۳۱} ^{۵۳۲} ^{۵۳۳} ^{۵۳۴} ^{۵۳۵} ^{۵۳۶} ^{۵۳۷} ^{۵۳۸} ^{۵۳۹} ^{۵۴۰} ^{۵۴۱} ^{۵۴۲} ^{۵۴۳} ^{۵۴۴} ^{۵۴۵} ^{۵۴۶} ^{۵۴۷} ^{۵۴۸} ^{۵۴۹} ^{۵۵۰} ^{۵۵۱} ^{۵۵۲} ^{۵۵۳} ^{۵۵۴} ^{۵۵۵} ^{۵۵۶} ^{۵۵۷} ^{۵۵۸} ^{۵۵۹} ^{۵۶۰} ^{۵۶۱} ^{۵۶۲} ^{۵۶۳} ^{۵۶۴} ^{۵۶۵} ^{۵۶۶} ^{۵۶۷} ^{۵۶۸} ^{۵۶۹} ^{۵۷۰} ^{۵۷۱} ^{۵۷۲} ^{۵۷۳} ^{۵۷۴} ^{۵۷۵} ^{۵۷۶} ^{۵۷۷} ^{۵۷۸} ^{۵۷۹} ^{۵۸۰} ^{۵۸۱} ^{۵۸۲} ^{۵۸۳} ^{۵۸۴} ^{۵۸۵} ^{۵۸۶} ^{۵۸۷} ^{۵۸۸} ^{۵۸۹} ^{۵۹۰} ^{۵۹۱} ^{۵۹۲} ^{۵۹۳} ^{۵۹۴} ^{۵۹۵} ^{۵۹۶} ^{۵۹۷} ^{۵۹۸} ^{۵۹۹} ^{۶۰۰} ^{۶۰۱} ^{۶۰۲} ^{۶۰۳} ^{۶۰۴} ^{۶۰۵} ^{۶۰۶} ^{۶۰۷} ^{۶۰۸} ^{۶۰۹} ^{۶۱۰} ^{۶۱۱} ^{۶۱۲} ^{۶۱۳} ^{۶۱۴} ^{۶۱۵} ^{۶۱۶} ^{۶۱۷} ^{۶۱۸} ^{۶۱۹} ^{۶۲۰} ^{۶۲۱} ^{۶۲۲} ^{۶۲۳} ^{۶۲۴} ^{۶۲۵} ^{۶۲۶} ^{۶۲۷} ^{۶۲۸} ^{۶۲۹} ^{۶۳۰} ^{۶۳۱} ^{۶۳۲} ^{۶۳۳} ^{۶۳۴} ^{۶۳۵} ^{۶۳۶} ^{۶۳۷} ^{۶۳۸} ^{۶۳۹} ^{۶۴۰} ^{۶۴۱} ^{۶۴۲} ^{۶۴۳} ^{۶۴۴} ^{۶۴۵} ^{۶۴۶} ^{۶۴۷} ^{۶۴۸} ^{۶۴۹} ^{۶۵۰} ^{۶۵۱} ^{۶۵۲} ^{۶۵۳} ^{۶۵۴} ^{۶۵۵} ^{۶۵۶} ^{۶۵۷} ^{۶۵۸} ^{۶۵۹} ^{۶۶۰} ^{۶۶۱} ^{۶۶۲} ^{۶۶۳} ^{۶۶۴} ^{۶۶۵} ^{۶۶۶} ^{۶۶۷} ^{۶۶۸} ^{۶۶۹} ^{۶۷۰} ^{۶۷۱} ^{۶۷۲} ^{۶۷۳} ^{۶۷۴} ^{۶۷۵} ^{۶۷۶} ^{۶۷۷} ^{۶۷۸} ^{۶۷۹} ^{۶۸۰} ^{۶۸۱} ^{۶۸۲} ^{۶۸۳} ^{۶۸۴} ^{۶۸۵} ^{۶۸۶} ^{۶۸۷} ^{۶۸۸} ^{۶۸۹} ^{۶۹۰} ^{۶۹۱} ^{۶۹۲} ^{۶۹۳} ^{۶۹۴} ^{۶۹۵} ^{۶۹۶} ^{۶۹۷} ^{۶۹۸} ^{۶۹۹} ^{۷۰۰} ^{۷۰۱} ^{۷۰۲} ^{۷۰۳} ^{۷۰۴} ^{۷۰۵} ^{۷۰۶} ^{۷۰۷} ^{۷۰۸} ^{۷۰۹} ^{۷۱۰} ^{۷۱۱} ^{۷۱۲} ^{۷۱۳} ^{۷۱۴} ^{۷۱۵} ^{۷۱۶} ^{۷۱۷} ^{۷۱۸} ^{۷۱۹} ^{۷۲۰} ^{۷۲۱} ^{۷۲۲} ^{۷۲۳} ^{۷۲۴} ^{۷۲۵} ^{۷۲۶} ^{۷۲۷} ^{۷۲۸} ^{۷۲۹} ^{۷۳۰} ^{۷۳۱} ^{۷۳۲} ^{۷۳۳} ^{۷۳۴} ^{۷۳۵} ^{۷۳۶} ^{۷۳۷} ^{۷۳۸} ^{۷۳۹} ^{۷۴۰} ^{۷۴۱} ^{۷۴۲} ^{۷۴۳} ^{۷۴۴} ^{۷۴۵} ^{۷۴۶} ^{۷۴۷} ^{۷۴۸} ^{۷۴۹} ^{۷۵۰} ^{۷۵۱} ^{۷۵۲} ^{۷۵۳} ^{۷۵۴} ^{۷۵۵} ^{۷۵۶} ^{۷۵۷} ^{۷۵۸} ^{۷۵۹} ^{۷۶۰} ^{۷۶۱} ^{۷۶۲} ^{۷۶۳} ^{۷۶۴} ^{۷۶۵} ^{۷۶۶} ^{۷۶۷} ^{۷۶۸} ^{۷۶۹} ^{۷۷۰} ^{۷۷۱} ^{۷۷۲} ^{۷۷۳} ^{۷۷۴} ^{۷۷۵} ^{۷۷۶} ^{۷۷۷} ^{۷۷۸} ^{۷۷۹} ^{۷۸۰} ^{۷۸۱} ^{۷۸۲} ^{۷۸۳} ^{۷۸۴} ^{۷۸۵} ^{۷۸۶} ^{۷۸۷} ^{۷۸۸} ^{۷۸۹} ^{۷۹۰} ^{۷۹۱} ^{۷۹۲} ^{۷۹۳} ^{۷۹۴} ^{۷۹۵} ^{۷۹۶} ^{۷۹۷} ^{۷۹۸} ^{۷۹۹} ^{۸۰۰} ^{۸۰۱} ^{۸۰۲} ^{۸۰۳} ^{۸۰۴} ^{۸۰۵} ^{۸۰۶} ^{۸۰۷} ^{۸۰۸} ^{۸۰۹} ^{۸۱۰} ^{۸۱۱} ^{۸۱۲} ^{۸۱۳} ^{۸۱۴} ^{۸۱۵} ^{۸۱۶} ^{۸۱۷} ^{۸۱۸} ^{۸۱۹} ^{۸۲۰} ^{۸۲۱} ^{۸۲۲} ^{۸۲۳} ^{۸۲۴} ^{۸۲۵} ^{۸۲۶} ^{۸۲۷} ^{۸۲۸} ^{۸۲۹} ^{۸۳۰} ^{۸۳۱} ^{۸۳۲} ^{۸۳۳} ^{۸۳۴} ^{۸۳۵} ^{۸۳۶} ^{۸۳۷} ^{۸۳۸} ^{۸۳۹} ^{۸۴۰} ^{۸۴۱} ^{۸۴۲} ^{۸۴۳} ^{۸۴۴} ^{۸۴۵} ^{۸۴۶} ^{۸۴۷} ^{۸۴۸} ^{۸۴۹} ^{۸۵۰} ^{۸۵۱} ^{۸۵۲} ^{۸۵۳} ^{۸۵۴} ^{۸۵۵} ^{۸۵۶} ^{۸۵۷} ^{۸۵۸} ^{۸۵۹} ^{۸۶۰} ^{۸۶۱} ^{۸۶۲} ^{۸۶۳} ^{۸۶۴} ^{۸۶۵} ^{۸۶۶} ^{۸۶۷} ^{۸۶۸} ^{۸۶۹} ^{۸۷۰} ^{۸۷۱} ^{۸۷۲} ^{۸۷۳} ^{۸۷۴} ^{۸۷۵} ^{۸۷۶} ^{۸۷۷} ^{۸۷۸} ^{۸۷۹} ^{۸۸۰} ^{۸۸۱} ^{۸۸۲} ^{۸۸۳} ^{۸۸۴} ^{۸۸۵} ^{۸۸۶} ^{۸۸۷} ^{۸۸۸} ^{۸۸۹} ^{۸۹۰} ^{۸۹۱} ^{۸۹۲} ^{۸۹۳} ^{۸۹۴} ^{۸۹۵} ^{۸۹۶} ^{۸۹۷} ^{۸۹۸} ^{۸۹۹} ^{۹۰۰} ^{۹۰۱} ^{۹۰۲} ^{۹۰۳} ^{۹۰۴} ^{۹۰۵} ^{۹۰۶} ^{۹۰۷} ^{۹۰۸} ^{۹۰۹} ^{۹۱۰} ^{۹۱۱} ^{۹۱۲} ^{۹۱۳} ^{۹۱۴} ^{۹۱۵} ^{۹۱۶} ^{۹۱۷} ^{۹۱۸} ^{۹۱۹} ^{۹۲۰} ^{۹۲۱} ^{۹۲۲} ^{۹۲۳} ^{۹۲۴} ^{۹۲۵} ^{۹۲۶} ^{۹۲۷} ^{۹۲۸} ^{۹۲۹} ^{۹۳۰} ^{۹۳۱} ^{۹۳۲} ^{۹۳۳} ^{۹۳۴} ^{۹۳۵} ^{۹۳۶} ^{۹۳۷} ^{۹۳۸} ^{۹۳۹} ^{۹۴۰} ^{۹۴۱} ^{۹۴۲} ^{۹۴۳} ^{۹۴۴} ^{۹۴۵} ^{۹۴۶} ^{۹۴۷} ^{۹۴۸} ^{۹۴۹} ^{۹۵۰} ^{۹۵۱} ^{۹۵۲} ^{۹۵۳} ^{۹۵۴} ^{۹۵۵} ^{۹۵۶} ^{۹۵۷} ^{۹۵۸} ^{۹۵۹} ^{۹۶۰} ^{۹۶۱} ^{۹۶۲} ^{۹۶۳} ^{۹۶۴} ^{۹۶۵} ^{۹۶۶} ^{۹۶۷} ^{۹۶۸} ^{۹۶۹} ^{۹۷۰} ^{۹۷۱} ^{۹۷۲} ^{۹۷۳} ^{۹۷۴} ^{۹۷۵} ^{۹۷۶} ^{۹۷۷} ^{۹۷۸} ^{۹۷۹} ^{۹۸۰} ^{۹۸۱} ^{۹۸۲} ^{۹۸۳} ^{۹۸۴} ^{۹۸۵} ^{۹۸۶} ^{۹۸۷} ^{۹۸۸} ^{۹۸۹} ^{۹۹۰} ^{۹۹۱} ^{۹۹۲} ^{۹۹۳} ^{۹۹۴} ^{۹۹۵} ^{۹۹۶} ^{۹۹۷} ^{۹۹۸} ^{۹۹۹} ^{۱۰۰۰} ^{۱۰۰۱} ^{۱۰۰۲} ^{۱۰۰۳} ^{۱۰۰۴} ^{۱۰۰۵} ^{۱۰۰۶} ^{۱۰۰۷} ^{۱۰۰۸} ^{۱۰۰۹} ^{۱۰۱۰} ^{۱۰۱۱} ^{۱۰۱۲} ^{۱۰۱۳} ^{۱۰۱۴} ^{۱۰۱۵} ^{۱۰۱۶} ^{۱۰۱۷} ^{۱۰۱۸} ^{۱۰۱۹} ^{۱۰۲۰} ^{۱۰۲۱} ^{۱۰۲۲} ^{۱۰۲۳} ^{۱۰۲۴} ^{۱۰۲۵} ^{۱۰۲۶} ^{۱۰۲۷} ^{۱۰۲۸} ^{۱۰۲۹} ^{۱۰۳۰}

از مدرسه، از سحرگاه تا شب

از هر چه می‌کنند هوای ملایم

آوریل را، از سرودهای لطیفشان

روح بخشی به طبیعت نکته قابل توجهی در آثار اوست.

لورکا خود را غرق در طبیعت می‌بیند، و به این شکل،

هویتی را برای خود ترسیم می‌کند که در آن گیاهان و

جانوران به بیان نمادین پیاده اندوه و بدبینی ناپایدار

می‌پردازند. البته این اندوه در جستجوی تسکین است،

پس شاعر پیوسته به دوران کودکی — که حی و حاضر

می‌گردد — می‌گریزد.

اما — همان طور که گفتم — در این مجموعه، نگرش

متفکرانه حاکم است: شاعر به تدریج جنبه‌های واقعی و

محسوس تجربیاتش را در قالبی نمادین آشکار می‌کند.

به علاوه حرکت به سوی نئوپولاریسمی که متشکل از

عناصر فرهنگ فولکلوریک است، به مسیری جدی برای

لورکا تبدیل می‌شود تا در آثار بعدی راهگشای وی شود.

لوزکا با نخستین اثر خود، گامی بلند به سمت ساخت
 شخصیت شاعرانه خود برمی دارد. سویت ها نام بخشی
 از « کتاب اشعار » است. عنوان این مجموعه به درستی
 انتخاب شده است، چون شامل اشعار متفاوتی است که
 در پیرامون موضوعی یکسان سروده شده اند: دریا، ماه،
 آینه، آب، در کنار آوازهای لطیف و ساده، شعرهایی را
 می بینیم که بیانگر موضوعات ایستای زندگی هستند.
 « شاعر، بدینی خود را منعکس می کند، همچنین به
 انعکاش تنهایی مطلق، ناگهانی در عشق، ترس از
 ناشناخته ها و ... می پردازد. این مجموعه گفتگویی با
 اَبوالهول است، کسی که مخاطب پریشانی بی شمار
 بشر درباره معنای زندگی، زمان، مرگ و بسیاری چیزهای
 دیگر است. لوزکا با قوت هر چه تمام تر به کشف زبانی اندیشمند
 و زنده می پردازد که در آثار بعدی اش به کمال می رسد.
 این نگاه موشکافانه در قطعه ترانه کیودکی که زاده نشد
 (رهایم کرده اید بر گلی / از حق تیره آبا) به خوبی

دیدن ریختن می شود. در واقع، این قطعه، کلید درک
نمایشنامه های این از لورکا است، که در آنها
نمایش ناکامی های زندگی، بخش جدایی ناپذیر اثر،
محسوب می شود.

شاعر، بخش پرشکوه دیگر « کتاب اشعار »
شعر ژرف را به نوعی ایه نگارش درمی آورد که آن را
« حلقه بدیع بین آوازاها »^۱ و « رباعی ها »^۲ می دانند.
اشعار شعر ژرف از نظر سبک و ساختار بر « آوازاها »
بزرگتری دارد و از وحدت موضوعی، آهنگ و احساس
برخوردار است.

در این زمان، دیگر سنت با زبان لورکا عجین شده،
اما استعازه را در چهارچوب قوانینی مستقل و نوبه
خدمت گرفته است، قوانینی که با شکستن هنجارهای
کلامی، واژه ها را از شکل تثبیت شده خود دور می کنند.
از مهم ترین نمادهای استفاده شده به وسیله لورکا از
این قرار هستند:

1. Canto Jundo.
2. Los Canciones.
3. Los Romances.

ماه: نشانهٔ مرگ، طبیعت، زندگی و همچنین زیبایی

است.

گرانادا ماهی بود

غرق در پیچک‌ها

آب: نشانهٔ باروری، هیجان و مرگ است.

تندیس‌ها با چشم‌هاشان در رنج‌اند

از تاریکی تابوت‌ها

اما

بیشتر در رنج‌اند

از بر جا ماندن آب

بر جا ماندن آب

خون: بیانگر مفاهیمی چون زندگی، نسل و

حاصلخیزی است.

و خون من بر دشت

خاکی خواهد بود شیرین و گلگون

آن جا که برزگران خسته

کج‌پیل‌هاشان را بر زمین می‌کوبند.

علف: وجه غالب آن، مفهوم مرگ را در بر دارد.

شعر جرجیک.

خزّه‌ها و علف‌ها را خورده و از آنجا

باز می‌کنند با انگشتان مطمئن

گل جمجمه‌اش را و بر روی

فلز: بیانگر مفهوم مرگ، دهشتناک و خونین است که

در ابزارهای برنده‌ای مانند شمشیر، دشنه، تیغ، ... ظهور

می‌یابد.

شمشیر بر قلب می‌نشیند،

چون خیش گاو آهنی

در بیابان.

لورکا در نخستین اثر تثاتزال خود به ظهور پادشاهی

حیوانات و گیاهان اشاره می‌کند، اسب در میان جانداران

مختلف و بخصوص در آثار او جایگاه ویژه‌ای دارد.

تاخست و تاز این موجود در «رمانس کولی»^۱

و کتاب‌هایی مانند «شاعر در نیویورک»^۲،

«عروسی خون»^۳ و «ملت»^۴ مشاهده می‌شود.

1. Romancero Gitano.

2. Poeta en Nueva York.

3. Bodas de Sangre.

4. El Publico.

از نظر لورکا اسب نشانه زندگی و با وضوح تمام

پیام آور مرگ است.

اسبی سخت مجروح

در همه خانه‌ها را می‌گوید:

در دنیای پر از ناکامی، مرگ نقشی بر ملاکننده به عهد

دارد. از این رو، در اشعار لورکا از مرگ زیاد گفت

می‌شود، اما این بیان، نمایشگر میل به مرگ نیست

برعکس، عشق پرشور به زندگی است که به کاپوس سیاه

مرگ منتهی می‌شود.

گذشته از این، کمتر شاعری توانسته است زیبایی

مانند لورکا به تصویر بکشد. او زیبایی یک جسم

محض هستی آن می‌داند. البته این زیبایی پیوسته در

معرض تخریب و نابودی قرار دارد. با چنین ملاحظه‌ای

است که پدرو سالیناس^۱ می‌گوید: «لورکا زندگی را در

جاده مرگ می‌بیند.»

بریز لیموهای خردت را

به پای باد.

آری، این را همه می‌دانند... زیرا می‌بعد،

دمی بعد،

پیه سوز و پتویی

بر خاک.^۱

مرگ لورکا ضربه‌ای سخت بر پیکر فرهنگ اسپانیا وارد
آورد، ضربه‌ای که عمقش برآوردشدنی نبود.

شاعر زمانی چشم از جهان فرو بست که هنوز مسیر
رشد خود را طی می‌کرد. با وجود این، آثار کم‌نظیری از
خود بر جا گذاشت که بیانگر شخصیت والای انسانی،
خلاق و همیشه پویای وی بود.

دیروز و فردا می‌خورند

گل‌های سیاه سوگواری را.^۲

میگل گارسیا پوسادا

۱. شعر مرثیه مرگ.

2. Así que Pasen Cinco Anos, acto III Cuadro I.